

ترجمه و چاپ در ایران، تحت امتیاز
انتشارات وایلی توسط انتشارات آوند دانش

WILEY

اقتصاد رفتاری

FOR

DUMMIES

نوشته‌ی موریس آلتمن

برگردان: محسن رنانی



آوند دانش

سرشناسه: آلتمن، موريس، ۱۹۵۴-م. Altman, Morris
عنوان و نام پديدآور: اقتصاد رفتاری / For Dummies / نوشته‌ی موريس آلتمن؛ برگردان محسن رناني.
مشخصات نشر: تهران: آوند دانش، ۱۳۹۷.

مشخصات ظاهري: ۴۰۰ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۶۸-۵۴-۱

وضعيت فهرست‌نويسي: فيبا

يادداشت: عنوان اصلي: Behavioral Economics For Dummies, c2012.

موضوع: اقتصاد -- جنبه‌های روان‌شناسي

موضوع: Economics -- Psychological aspects

موضوع: امور مالي شخصي -- تصميم‌گيري

موضوع: Finance, Personal -- Decision making

شناختی افزوده: رناني، محسن، ۱۳۴۴-، مترجم

رده‌بندی کنگ: HB ۷۴ / ۹۱۷ ۱۳۹۷

بندی: یوبي: ۳۳۰/۰۱۹

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۵۱۰۷۳۶۸



آوند دانش

اقتصاد رفتاری

نوشته‌ی موريس آلتمن

برگردان: محسن رناني، ميرهادی حسيني‌کندل

فضيلت محسني و حسن يحيوي

ويرواستار: سارا وطن‌دوست

طراحي گرافيك: استوديو آوند دانش

تاريخ انتشار: تابستان ۱۳۹۸ - چاپ سوم

ليتوگرافي: چاپ و صحافي: چاپ محمد

نشاني ناشر: ابتدای خیابان پاسداران، خیابان گل نبي، خیابان ناطق نوري، پلاک ۴، تلفن: ۲۲۸۹۳۹۸۸.

نمبر: ۲۲۸۷۱۵۲۲

فروشگاه: ضلع جنوبی پارک قطيره، خیابان روشنايي، خیابان شهاب، نيش روشنندان، پلاک ۲۵، تلفن: ۲۲۳۹۵۲۹۳

مرکز پخش: ميدان انقلاب، خیابان جمالزاده‌ی شمالي، بعد از چهارراه نصرت، کوچه‌ی دعي، شماره‌ی ۱۲، تلفن: ۶۶۵۹۱۹۰۹

صندوق پستی: ۱۹۵۵۵/۶۷۳

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۶۶۸-۵۴-۱

قيمت: ۴۸۰۰۰ تومان

کليه‌ی حقوق اين کتاب نزد ناشر محفوظ است

محدوديت مسئوليت / سلب مسئوليت از ايجاد ضمانت: هيچ مسئوليت يا ضمانتي متوجه ناشر يا نويسنده در قبال دقت يا کامل‌بودن متن اين اثر نيست و صريحا از تمامي ضمانت‌ها، شامل و نه محدوده، ضمانت مناسب‌بودن براي هدفی خاص، سلب مسئوليت می‌کنند. به‌واسطه‌ی فروش يا مواد تبليغاتی هيچ ضمانتي ايجاد نخواهد شد يا تعميم نخواهد يافت. توصيه‌ها و راهکارهای ارائه‌شده در اين اثر ممکن است برای هر موقعيتی مناسب نباشند. اين اثر با استناد بر اين تفاهم فروخته می‌شود که ناشر در گير هيچ‌گونه کار حقوقی، حسابداری يا هرگونه خدمات حرفه‌ای ديگر نمی‌شود. چنانچه مشاوره‌ی حرفه‌ای موردنياز باشد، از خدمات يک فرد حرفه‌ای بايد بهره گرفته شود. نه ناشر و نه نويسنده نبايد در قبال صدماتی که از اين ناحیه حادث می‌گردد مسئول باشند. اين مطلب که به سازمانی يا وبسایتي در اين اثر ارجاع داده و/ يا به‌عنوان منبع احتمالی اطلاعاتی بيشتر معرفی می‌شود نبايد به‌منزله‌ی آن باشد که ناشر يا نويسنده اطلاعات يا توصيه‌هایی را که سازمان يا وبسایت ارائه می‌کنند صحت می‌گذارد. علاوه‌براین، خوانندگان بايد از اين مطلب آگاه باشند که وبسایت‌های اينترنتی که در اين اثر فهرست شده‌اند ممکن است در حادفصلي که اين اثر نوشته شده است تا زمانی که خوانده می‌شود، تغيير کنند يا محو شوند.

پیشگفتار

پر بیراه نیست اگر بگوئیم علم اقتصاد با انتشار کتاب ثروت ملی آدام اسمیت متولد شد و این کودک نوپا طی دویست سال با چنان سرعتی مسیر رشد را پیمود که هیچ کدام از علوم ماقبل آن، چنین سرعتی را تجربه نکرده بودند. اگرچه علومی از قبیل روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، انسان‌شناسی و سایر علوم نوین اجتماعی که با فاصله‌ای اندک از علم اقتصاد متولد شدند نیز توانستند به سرعت مسیر ترقی را طی کنند، تفاوت اصلی این دو گروه در این است که علم اقتصاد هم‌زمان با رشد پیکره‌اش، به سرعت ساده‌سازی شده و به هم مستعد استفاده از ریاضیات در تبیین ساده‌ی نظریه‌ها باشد و هم توانمندی لازم برای مدل‌سازی و انجام آزمون‌های تجربی گسترده را داشته باشد. با این کار، علم اقتصاد توانست به قدرت «تئوری‌زایی انبوه» دست یابد.

در این دوره، علم اقتصاد هم‌زمان با رشد سریع خود، کم‌کم کارکردن در دنیای واقعی را نیز می‌آموخت؛ این فرایند تا دو سه دهه‌ی پایانی قرن بیستم همچنان ادامه داشت. فردی که به نظر بگیرد که به سرعت رشد می‌کند و هم‌زمان با بزرگ‌شدن جسمش که به عملی و تجربی در دنیای واقعی را نیز فرا می‌گیرد؛ به‌مرور هرچه این کودک بزرگ‌تر شود و به کمال برسد، عطش بیشتری برای انجام امور عظیم‌تر، مهم‌تر و گسترده‌تر خواهد داشت و دقیقاً در همین مرحله است که شکست‌ها آغاز می‌شود. به این دلیل ساده‌نه ابزارها و روش‌های کاربردی این نوجوان، در واقع ابزارهای ساده‌ی دوران کودکی بودند که برای حل مسائل ساده‌ی همان دوران طراحی شده بودند. این در حالی است که در حوزه‌ی واقعی اقتصاد، مسائل و افق‌های تازه‌ای پدیدار می‌شد که مستلزم به‌کارگیری ابزارهای نظری و تجربی پیچیده‌تر و پیشرفته‌تری بود.

مفهوم ساده‌سازی در علوم نیز همچون مفهوم ساده‌گرایی در کاربرد فناوری، به معنای استفاده از ابزارهایی است که کاربردشان راحت‌تر و دسترس‌پذیری‌شان آسان‌تر باشد. برای مثال، تقریباً همه می‌توانند از یک چاقوی معمولی به‌شکلی کاملاً ساده و راحت استفاده کنند و آنچه را می‌خواهند، با آن ببرند و کارشان را راه بیندازند؛ اما وقتی پای جراحی‌های یزشکی در میان باشد، دیگر استفاده از چاقوی معمولی جواب‌گو نخواهد بود و باید از چاقوهای پیشرفته‌تر و دقیق‌تر استفاده کرد. برای طراحی چنین چاقویی باید از علومی همچون کالبدشناسی، عصب‌شناسی، مهندسی، رایانه، نانو فناوری و... کمک گرفت تا بتوان چنین ابزار دقیق و حساسی را ساخت.

ناگفته نماند که در دوران بحرانی پس از جنگ جهانی دوم، پدیده‌های اقتصادی با سرعتی چندبرابر رو به پیچیدگی گذاشتند. شاید بتوان علت اصلی این پیچیدگی را در تحول سریع فناوری، رشد سریع اقتصادها و گسترش رابطه‌ی اقتصادهای مختلف با یکدیگر خلاصه کرد. علت این امر هرچه بود دیگر نمی‌شد ماهیت این پیچیدگی را با همان چارچوب‌های ساده‌شده‌ی پیشین در علم اقتصاد تحلیل کرد. در نیمه‌ی دوم قرن بیستم، تعداد زیادی از اقتصاددانان سعی داشتند به کمک همان روش‌های تحلیلی سابق و از طریق پیچیده‌تر کردن مدل‌های ریاضی و بسط روش‌های کمی، برای این پیچیدگی‌های روزافزون پاسخی بیابند. این اقدام آن‌ها شبیه این بود که سعی کنیم چاقوهای قدیمی آشپزخانه را با صیقل دادن و سوهان زدن، تیزتر و ظریف‌تر کنیم؛ صدا البته که این روش، پاسخ‌گوی نیازهای تحلیلی نوین نبود. بنابراین با وجود پیچیده‌تر شدن مدل‌های ریاضی تدوین شده و توسعه‌ی کاربرد انواع روش‌های کمی در اقتصاد متعارف، شکست‌های تبیینی اقتصاد روزه‌روز بیشتر می‌شد و کاربرد نظریه‌ها محدودتر و محلی‌تر و خاص‌تر.

این شکست‌ها و محدودیت‌ها باعث شد اقتصاددانان قرن بیستم کم‌کم به دنبال آزمودن رویکردهای تحلیلی و تجربی تازه‌تری باشند و در مسیر خلق الگوهای روش‌شناختی (دیسپلین = پارادایم) متفاوتی گام بردارند. اولین گروهی که پا به عرصه گذاشتند، اقتصاددانان نهادگرای قدیمی (مکتب اتریشی) بودند. این گروه ادعا می‌کرد که می‌خواهد علم اقتصاد متفاوتی را از نو بنا نهد. هرچند نقدی که بر اقتصاد مرسوم یا متعارف^۱ وارد می‌کردند، بدی و قابل تأمل به نظر می‌رسید، طرح موردنظرشان بسیار گسترده‌تر از آن بود که بتوان با صاعقت آن روز جامعه‌ی علمی اقتصاد (نیمه‌ی اول قرن بیستم) محقق کرد. همین تجربه باعث شد تا اقتصاددانان دگراندیش نیمه‌ی دوم قرن بیستم در نقد اقتصاد متعارف کمی فروتنانه‌تر رفتار کنند. این گروه کوشید و به صراحت اذعان کرد که در پی ابداع دیدگاه‌های تازه‌ای در اقتصاد نیست؛ بلکه سعی دارد به کمک رویکردهای نوین، کاستی‌های این حوزه را برطرف کند و در پی بهبود و ارتقای توانایی‌های تحلیلی و تجربی آن باشد.

بنابراین به تدریج، مجموعه‌ای از رویکردهای تحلیلی و تجربی در علم اقتصاد شکل گرفت که در حال حاضر، آن‌ها را در گروه‌های مختلفی از قبیل اقتصاد آزمایشگاهی، نظریه‌ی انتخاب عمومی، جامعه‌شناسی اقتصادی، اقتصاد سیاسی، اقتصاد اجتماعی، اقتصاد فیزیک، اقتصاد نهادگرای جدید، تاریخ‌سنجی اقتصادی و اقتصاد رفتاری می‌گنجانیم. هر کدام از این رویکردها، روند پیدایش و دوره‌های رشد سریعی را تجربه کرده‌اند. تمامی آن‌ها همچنان در مسیر رشد و تکامل به سر می‌برند و هیچ‌کدام هنوز

۱. در ترجمه‌ی این کتاب، واژگان «اقتصاد مرسوم» و «اقتصاد متعارف» معادل Conventional Economics به کار رفته‌اند.

به نقطه‌ی اوج نرسیده‌اند؛ نقطه‌ای که ممکن است از آن پس، به تدریج دیدمان تازه‌ای در اقتصاد آشکار شود و به بلوغ برسد.

در حال حاضر، در بین این رویکردها، اقتصاد رفتاری یکی از پرشتاب‌ترین‌هاست و البته تمایز مهم و بنیادین تحلیل‌های این رویکرد با رویکرد اقتصاد متعارف نیز در این است که اقتصاد رفتاری بر نقطه‌ی کانونی یا یکی از فرضیات اصلی «هسته‌ی مقاوم» علم اقتصاد متعارف، یعنی «عقلانیت» انگشت می‌گذارد. به‌طور خلاصه باید گفت: اقتصاد رفتاری باور دارد که واحدهای اقتصادی (فرد - خانوار - بنگاه) که در تحلیل‌های اقتصاد مرسوم، تصمیمات اقتصادی بنیادین را اتخاذ می‌کنند، برخلاف تصور اقتصاد متعارف، لزوماً «عقلانی» نیستند. هرچند اقتصاد رفتاری هنوز به‌طور کامل «عقلانیت اقتصادی» را زیر سؤال نبرده و فقط به معرفی شواهد نقض‌کننده‌ای در این حوزه می‌پردازد و از سوی دیگر، سعی دارد راهکارهایی نظری و توضیحاتی تحلیلی برای رفع این شواهد نقض‌کننده ارائه دهد، اگر با همین سرعت پیش‌برود بشیخی می‌شود که روزی بتواند فرضیه‌ی «عقلانیت ابزاری» علم اقتصاد را به‌طور کامل سرخ کرده و باطل اعلام کند و فرضیه‌ی دیگری به‌جای آن بنشاند و باید گفت که آنچه دشمن شروع جدایی بین اقتصاد رفتاری و اقتصاد متعارف خواهد بود که در صورت بدو، به پدیدارشدن دیدمان جدیدی در اقتصاد خواهد انجامید.

پیش‌بینی من این است که در آینده‌ی نه چندان دور، دیگر شاهد وجود یک پارادایم یا دیدمان مسلط در علم اقتصاد نخواهیم بود (مشابه وضعیت اقتصاد متعارف در قرن بیستم)؛ بلکه تصور می‌شود در فضای تحلیلی علم اقتصاد کنونی، بتوان شاهد حضور هم‌زمان چندین دیدمان رقیب یا مکمل فعال و فراگیر بود. همان اقتصاد رفتاری و اقتصاد نهادی به‌مثابه دو دیدمان مکمل، بخش بزرگی از فضای تحلیلی علم اقتصاد را در قرن بیست‌ویکم، به خود اختصاص خواهند داد.

این اثر در واقع یکی از کتاب‌های مرجع و ساده برای تمام افرادی است که می‌خواهند با اقتصاد رفتاری آشنا شوند. همچنین مدخلی است برای آن دسته از دانش‌آموزان و محققان اقتصاد که می‌خواهند پژوهش‌های خود را در حوزه‌ی اقتصاد رفتاری دنبال کنند.

در واقع این کتاب به تبیین واقع‌گرایانه‌ی رفتار افراد در دنیای واقعی با ذکر مثال‌هایی ساده و جذاب پرداخته است و از همین طریق نیز به نظریه‌ی اقتصاد متعارف (مرسوم) به‌دلیل داشتن فرض‌های غیرواقعی و محدودکننده یا ساده‌انگارانه انتقاد شده است. در این کتاب، نظریه‌های روان‌شناسی، جامعه‌شناسی، فلسفه، حقوق و اقتصاد با یکدیگر تلفیق شده‌اند و از ریاضیات تنها به‌مثابه یکی از ابزارهای کمکی در بیان دقیق و شفاف تبیین‌ها نام برده می‌شود. در واقع نویسنده بدون استفاده از فرمول‌های پیچیده‌ی

ریاضی و با زبانی ساده به تبیین اقتصادی نقش عوامل کیفی، روان‌شناختی و شخصیتی همچون حسادت، عشق، عادت و غیره بر رفتار افراد می‌پردازد؛ به گونه‌ای که پژوهشگر علاقه‌مند، با مطالعه‌ی هر فصل، موضوع یا ایده‌ای جذاب برای انجام یک پژوهش خواهد یافت. به عبارت دیگر، هر فصل از کتاب پیش رو می‌تواند به موضوعی جذاب برای انجام نوعی پژوهش اقتصادی تبدیل شود. بی‌گمان مطالعه‌ی این کتاب به درک اساتید، دانشجویان کارشناسی ارشد و دکتری رشته‌ی اقتصاد و حتی رشته‌های مدیریت و حسابداری از پدیده‌های دنیای واقعی کمک شایانی خواهد کرد و در پیشروی آن‌ها به‌سوی بهره‌گیری از مرزهای دانش تأثیرگذار خواهد بود. تا آنجا که اگر من جای نویسنده‌ی این کتاب بودم، آن را «ایده‌هایی ناب برای پژوهش در حوزه‌ی اقتصاد رفتاری» نام می‌گذاشتم.

نویسنده‌ی کتاب نه تنها سعی دارد با زبانی ساده و به کمک مثال‌های گوناگون، مفاهیم جدید اقتصاد رفتاری را معرفی کند، بلکه هم‌زمان به تبیین موضوعات اقتصاد رفتاری در حوزه‌ی اقتصاد خرد و اقتصاد کلان نیز می‌پردازد. وی همچنین اختلالات تحلیلی اقتصاد مربوط به مردم در کوتاه‌مدت را با استفاده از مثال‌های مختلف و یاری گرفتن از علومی همچون روان‌شناسی و پزشکی توصیف کرده است.

ترجمه‌ی این کتاب حاصل نشست‌های مختلف در خصوص مباحث اقتصاد رفتاری و اقتصاد نهادی است که در دفتر بنده و با حضور دانشجویان علاقه‌مند و جست‌وجوگر تحصیلات تکمیل، از بهار تا بهار به صورت هفتگی برگزار می‌شد. در دوره‌ای از این نشست‌ها، دانشجویان مقطع دکتری یا سایر علاقه‌مندان، مقالات و کتاب‌های مرجع یا جدید را در عرصه‌ی اقتصاد رفتاری مطالعه و معرفی می‌کردند و به بحث می‌گذاشتند.

در خلال همین نشست‌ها بود که وقتی نوبت به کتاب پروفیسور آلتمن رسید، همگی اذعان کردند که این کتاب، منبعی ساده، ارزشمند و مهم است که باید ترجمه شود. بنابراین تقسیم کار صورت گرفت و آقای دکتر میرزادبیجینی کندلجی که در آن زمان از دانشجویان شایسته‌ی مقطع دکتری بود، مسئولیت مقاله‌ی جمله به جمله‌ی ترجمه‌ها با متن اصلی، همگون‌سازی ترجمه و ویرایش فنی را بر عهده گرفت و به این ترتیب، این کتاب به کمک سرمایه‌ی اجتماعی اعضای علاقه‌مند در گروه دوستانه‌ی اقتصاد رفتاری ترجمه شد.

نقش بنده در ترجمه‌ی این کتاب بیشتر نقشی مشاوره‌ای و نظارتی بوده است؛ کارهایی از قبیل خوانش ترجمه‌ها، انتخاب و نهایی‌سازی معادل‌های تخصصی، بازخوانی بخش‌های دشوارفهم و ارائه‌ی نظرات مشورتی به مترجمان فصول و نیز به ویراستار فنی، بر عهده من بوده است. بنابراین ترجمه این کتاب به واقع حاصل یک

همکاری جمعی بوده است؛ اما به علت عدم امکان درج نام همه‌ی مترجمان بر روی جلد کتاب، نام من روی جلد درج شده است و البته نام همه‌ی مترجمان در صفحه‌ی شناسنامه کتاب ذکر شده و همه دارای حقوق معنوی برابر هستند. از خوانندگان گرامی انتظار می‌رود در صورت مشاهده‌ی برخی کاستی‌ها یا اشتباهات احتمالی، این مهم را متذکر شوند تا در چاپ‌های بعدی اصلاح شود.

به امید روزی که در ایران ما نیز تدریس مباحث اقتصاد رفتاری و اقتصاد نهادی به بخش مهمی از آموزش علم اقتصاد تبدیل شود و به این امید که چنین گرایش‌هایی در سیستم آموزشی ایران در سطح تحصیلات تکمیلی گنجانده شوند تا دیگر هیچ سیاست‌مداری با شنیدن واژه‌ی اقتصاد رفتاری یا اقتصاد نهادی، نیشخند نزند.^۱

محسن رنانی - دانشگاه اصفهان

اسفند ماه ۹۶

۱. همین چند سال پیش (آذر ۱۳۸۸) وقتی در مناظره‌ای در مخالفت با طرح هدفمندسازی یارانه‌ها به نقد این طرح از دیدگاه اقتصاد نهادی پرداختم، طرف مقابل مناظره (که مشاور اقتصادی رئیس‌جمهور وقت بود) با نیشخند گفت: «مگر اقتصاد نهادی هم علم است؟»

فهرست مطالب در یک نگاه

۱	مقدمه
۷	بخش ۱: معرفی اقتصاد رفتاری: علم انتخاب‌های دنیای واقعی
۹	فصل ۱: اقتصاد رفتاری
۱۹	فصل ۲: تحقق فرامات
۴۳	فصل ۳: اقتصاد حساس ساختی: کاوش مغز برای تحلیل اقتصادی
۶۹	فصل ۴: چرا انگیزه‌ها و بازارها مهم‌اند، اما پول همه چیز نیست
۹۷	بخش ۲: درک انتخاب
۹۹	فصل ۵: بررسی محدودیت‌های انتخاب آزاد
۱۱۵	فصل ۶: شیوه‌های اکتشافی ساده، سریع و تصمیم‌گیری در دنیای واقعی
۱۴۱	فصل ۷: تأثیر چارچوب‌بندی انتخاب‌ها بر تصمیم‌گیری
۱۶۳	فصل ۸: تأثیر هنجارها، همتایان، گذشته و فرهنگ بر انتخاب
۱۷۹	فصل ۹: چرایی اهمیت کودکان، جنسیت و سن در تحلیل‌های اقتصادی
۱۹۷	بخش ۳: رشد یک اقتصاد: اهمیت اقتصادی اخلاق، هر روزی و فرهنگ
۱۹۹	فصل ۱۰: چرا افراد باهوش مالیات می‌پردازند، بازیافت می‌کنند، حتی بون‌شکنی می‌کنند
۲۱۵	فصل ۱۱: عرضه‌ی نیروی کار در دنیای واقعی
۲۳۵	فصل ۱۲: جعبه‌سیاه بنگاه: روابط انسانی و بهره‌وری
۲۵۱	فصل ۱۳: اقتصاد خوب: رابطه‌ی رفتار اخلاقی و رشد اقتصادی
۲۶۵	فصل ۱۴: اهمیت نهادها
۲۸۱	بخش ۴: وقتی حباب‌ها، رکودها و ناکارایی‌ها ممکن می‌شوند: بینش‌های رفتاری در دنیای واقعی اقتصاد
۲۸۳	فصل ۱۵: مقدمه‌ای بر مالیه‌ی رفتاری
۳۰۱	فصل ۱۶: کسادها و رکودها
۳۱۹	فصل ۱۷: هنر و دانش شادبودن: آیا می‌توان بدون پول بیشتر همچنان شاد بود؟
۳۳۹	بخش ۵: بخش ده‌تایی‌ها
۳۴۱	فصل ۱۸: ده کاربرد کلیدی اقتصاد رفتاری در سیاست عمومی
۳۵۳	فصل ۱۹: ده تجربه در اقتصاد رفتاری
۳۶۷	فصل ۲۰: ده درس تصمیم‌گیری در اقتصاد رفتاری